

شهرسازی سلطانیه در دوره ایلخانی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۹

کد مقاله: ۵۶۹۶۸

مریم محمدی^۱، مبینا مظفری^{۲*}

چکیده

پس از حمله ایلخانان به ایران و مشاهده شهرهای ایران به ساخت شهرهای بزرگی دست زدند. که از آن نمونه می‌توان به سلطانیه اشاره کرد. اولین و مهم‌ترین شهری که اولجایتو به احداث آن دست زد شهر سلطانیه است. با توجه به اسناد تاریخی تا پیش از هجوم مغولان، سلطانیه بیلاقی با مرغزارها و آبادی‌های فراوان در اطراف بوده که مغولان پس از پایتختی تبریز برای شکار در ایام تابستان بدانجا می‌رفتند. این پژوهش بر آن است تا شهر سلطانیه را از لحاظ ساختاری سررسی کند و دلیل ظهور و افول شهر را مورد مطالعه قرار دهد. شکوه و عظمت این شهر با حمله تیمور از بین رفت و به ویرانه‌ای تبدیل شد. هدف این پژوهش آشنایی با شهرسازی دوره ایلخانی و همچنین شهر سلطانیه به عنوان یکی از پایتخت‌های مهم این دوره می‌باشد. این پژوهش با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای و به صورت تاریخی-تحلیلی انجام شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که این شهر دارای نقشه‌ای از پیش طراحی شده بوده است؛ و همچنین مانند سایر شهرهای اسلامی شامل اجزا و عناصر مختلفی چون ارگ حکومتی، مسجد جامع، مدارس و کاخ‌ها بوده است که بعد از افول شهر همه‌ی آن‌ها رو به ویرانی نهادند.

واژگان کلیدی: شهر، شهرسازی، سلطانیه، ایلخانی

۱- استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا (مسئول مکاتبات) Mobinamozafari67@gmail.com

۱- مقدمه

شهرهای ایران در آغاز قرن هفتم هجری از رونق نسبی برخوردار بودند، که گرفتار تهاجم ویرانگر مغول شدند. این تهاجم ضربه مهلکی به ساختار شهری وارد کرد. اگرچه قوانین یاسای چنگیزی و سلوک بیابان‌گردی مغولان حاکی از بی‌توجهی به شهر و شهرسازی بود، اما حضور ایرانیان در کالبد اداری و سیاسی این حاکمان، از همان ابتدا سران حکومت ایلخانان را علاقه‌مند به مبانی شهر و شهرسازی کرد. شهرسازی دوره ایلخانی بنا بر شرایط به وجود آمده طی حملات مغول، یکی از تاثیرگذارترین نمونه‌های تاریخ شهرسازی ایران است که آن‌گونه که باید مورد مطالعه قرار نگرفته است. در دوره ایلخانی با آنکه شهرسازی و عمران در زمان هلاکو آغاز گردید، اما در دوره الجایتو به بالندگی رسید؛ به گونه‌ای که او چهار شهر (سلطان‌آباد، چمچمال، الجایتو، آباد، سلطانیه و آق قلعه) را ساخت. آن‌گونه که از منابع تاریخی دریافت می‌شود، دشت سلطانیه پیش از حمله مغول چمنزاری بوده است که از آن به عنوان مکانی برای توقف لشکر این متجاوزان استفاده می‌شده است. با ورود ایلخانان شاهد رشد و گسترش این ناحیه می‌باشیم تا حدی که بعد از تبریز و مراغه به عنوان سومین پایتخت برگزیده و با نقشه‌ای از پیش طراحی شده ساخته شد. در زمان غازان خان که ساخت و سازها سرعت بیشتری می‌گیرند بحث انتقال پایتخت به سلطانیه مطرح شده ولی به علت مرگ غازان خان، نتیجه‌ای در بر نداشت. با روی کار آمدن الجایتو این طرح به مرحله اجرا در آمد و پایتخت از تبریز (به علت نزدیکی به مرزهای شمالی و غربی امپراطوری ایلخانی) به سلطانیه انتقال یافت. عوامل متعددی همچون موقعیت جغرافیایی، عوامل اقتصادی و آب و هوایی مناسب اشاره کرد. اما این شهر پس از مرگ اولجایتو روبه انحطاط نهاد. این پژوهش سعی دارد تا به ابعاد مختلف شهرسازی در دوره ایلخانی بپردازد، و بخش‌های مختلف شهر سلطانیه را مورد مطالعه قرار دهد.

۲- پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشگران زیادی سعی در معرفی و شناساندن ویژگی‌های معماری و فضایی سلطانیه کرده‌اند؛ که آنها را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم بندی کرد؛ دسته اول آن دسته از نوشتارهای هستند که به طور خاص به شهر سلطانیه پرداخته‌اند، دسته دوم منابعی هستند که در کنار معرفی شهرهای دوره ایلخانی به معرفی شهر سلطانیه نیز پرداخته‌اند و دسته سوم نیز مربوط به گزارش‌های کاوش شهر سلطانیه می‌باشد. از دسته اول و دوم می‌توان به عنوان نمونه از مقاله همایون رضوان و حسن کریمان (۱۳۹۱) تحت عنوان طلوع و غروب یک پایتخت (شکل یابی، توسعه، اقتدار و اضمحلال شهر سلطانیه) و یا مقاله‌ای از داوود اصفهانیان و علیرضا خزائی (۱۳۸۲) که در آن اشاره‌ای به عمران شهری سلطانیه و سایر شهرهای ایران در عصر مغول پرداخته است. شیلا بلر نیز مقاله‌ای در خصوص سلطانیه پایتخت سلطنتی مغول نیز به رشته تحریر درآورده است که توسط دکتر محمد ابراهیم زارعی ترجمه و در کتاب ۴۳ مقاله در بزرگداشت استاد دکتر محمد یوسف کیانی منتشر شده است. از دسته سوم نیز می‌توان از مقاله سعید گنجوی که در خصوص کاوش تپه نور (شهر تاریخی سلطانیه) نوشته شده است نام برد.

۳- روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش تاریخی-تحلیلی انجام شده است؛ برای این منظور منابع تحقیق که در زمره منابع مکتوب هستند با شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. داده‌های گردآوری شده شامل اسناد دست اول تاریخی، بررسی گزارش‌ها و سوابق بایگانی، آثار مکتوب پژوهشگرانی که جمع‌بندی و توصیفی از این متون داشته‌اند می‌باشد. پس از آن تحلیل داده‌ها و انسجام مفهومی آن‌ها برای تدوین نظرات جدید انجام شده است.

۴- شهرسازی در دوره ایلخانی

شهرهای ایران در آغاز قرن هفتم هجری از رونق نسبی برخوردار بودند، که گرفتار تهاجم ویرانگر مغول شدند و رویارویی مردم شهری با خانه به دوشان مغولی این رشد و رونق را در محاق فروربرد. مغول‌ها که در ظاهر امر شناخت عمیقی از پدیده‌ی شهرنشینی نداشتند، در هنگام تهاجم نقش مخربی در این زمینه ایفا کردند (رضوی، ۱۳۸۷: ۵). ظهور فاتحان مغول در ایران حیات شهری را به شدت به مخاطره افکند. این قوم کوچ‌رو و بیابانگرد در حصارهای تنگ شهری را نمی‌توانستند تحمل کنند همچنین برای اینکه از حملات پشت سر خود ایمن باشند شهرهایی را در مسیرشان قرار می‌گرفت یکسره ویران و زیر و رو می‌کردند. پس از اینکه چنگیز و فرزندانش فتوحات و جهانگیریشان به پایان رسید نوادگان چنگیز در مناطق تحت سلطه به فکر جهانداری و اداره‌ی مناطق مفتوحه افتادند (طالب نیا و نجفی، ۱۳۹۴: ۳). ایشان بزودی دریافتند که وجود یک پایتخت به لحاظ اداری و تجاری تا چه اندازه لازم و ضروری است و زیبایی و عظمت آن تا چه حدی می‌تواند در ایجاد هیبت شاهانه و اقتدار حکومت ایشان موثر

باشد(اصفهانیان و خزائلی، ۱۳۸۱: ۶۰). تمرکز و علاقه آنان بیشتر به ساخت شهرهای جدید و به وجود آوردن مجموعه‌های نوساخته بود تا بازسازی شهرها و مناطق ویران شده. شاید دلیل آن را بتوان در دو مسئله جست و جو کرد: از سویی همچنان غارتگری و ویران کردن، یک نوع امتیاز و شهرت برای آنان به حساب می‌آمد؛ ساخت و ساز نیز خود، نوعی اشتهار را به همراه داشت. از سویی دیگر، قوم مغول، کوچ نشینان و چادر نشینانی بودند که به این فرهنگ عادت داشتند و این نوع زندگی در تمام وجوه حکومتشان به چشم می‌خورد. از ویژگی‌های این فرهنگ، نخست حرکت و سکنی گزیدن در جاهای مختلف است. دومین ویژگی که شاید از اولی موثرتر در این مسئله ظاهر می‌شود، علاقه آنان به دشت‌های خرم خوش آب و هوا و خوش منظره بود. تا زمان حکومت ارغون، کوشش عمده ایلخانان، سرکوب مدعیان و تحکیم سلطنت بود و می‌توان گفت فرصتی برای ساخت و ساز و زودودن زنگار زشت ویرانی وجود نداشت. روند شهرسازی بیشتر از زمان هلاکوخان و از مراغه آغاز شد که توسط غازان خان به تبریز- غزانیه و ربع رشیدی تسری یافت و سرانجام در سلطانیه در زمان حکومت الجایتو به اوج شکوفایی خود رسید (نقره‌کار و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۸).



شکل ۱- شیوه زندگی ایلخانی در ابتدای حضور خود در ایران (طالب نیا و نجفی، ۱۳۹۴: ۳).

در دوره ایلخانی دو گرایش عمده در شیوهی اداره‌ی مملکت وجود داشت. یکی گرایش به کوچ‌روی و دیگری گرایش به حکومت نیرومند در مرکز به همراه نظام اداری مربوط به آن در کل سرزمین نبود دولتی متمرکز، وجود قوانین سخت گیرانه مغولی منجر بدان شده بود که بسیاری از مردم گرداگرد شهرهای جمع شوند و ساکن شوند که خان مغول در آن استقرار و مقام گزیده است. وجود شهرک‌های شنب‌غازان و ربع‌رشیدی در کنار تبریز نمونه‌ای از آنها می‌باشد. بیشترین ساخت و سازها و تغییرات در زمان غازان خان به وجود آمد(طالب نیا و نجفی، ۱۳۹۴: ۳ و ۴).

به استناد منابع تاریخی و باستان‌شناسی روند تحولات عمران و شهرسازی در دوره ایلخانی را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد: دوره اول که از حمله چنگیز تا آغاز حکومت هلاکو به طول می‌انجامد، با تخریب شهرها و افول شهرسازی همراه است. ظاهراً فقط اوکنای، جانشین چنگیز، به آبادانی علاقه داشت و به دستور وی شهرهای بخارا، ترمذ، نیشابور و هرات، آباد شدند. دوره دوم از زمان هلاکو تا ارغون ادامه دارد و مهمترین اقدامات این دوره عبارتند از: مرمت خیوشان و ساخت رصدخانه مراغه در دروه هلاکو، ساخت عمارتی در تخت سلیمان و بازسازی اصفهان در دوره آقا. در دوره‌های پیش‌رو عوامل مختلفی سبب رکود شهرسازی گردید. برخی از آنها عبارتند از: عدم آشنایی مغولان با اصول شهرسازی و شهرنشینی، تحمیل مالیات سنگین بر کسبه و پیلهوران شهری، بیگاری کشیدن از مردم، مهاجرت هنرمندان، صنعتگران و مردم به مناطق امن، ناامنی در مناطق مختلف و سرکوب گاه و بیگاه اعتراضات مردمی. دوره سوم از حکومت ارغون تا بر تخت نشستن غازان را در بر میگیرد. دستور ساخت شهر سلطانیه توسط ارغون، بازسازی محلات تبریز توسط وی و ساخت شهر قتلغ بالیغ توسط گیخاتو از اقدامات مهم این دوره است. دوره چهارم که از دوره غازان آغاز می‌شود و تا پایان حکومت ایلخانی ادامه دارد؛ نقطه اوج نهضت شهرسازی این روزگار است (خان مرادی، ۱۳۹۶: ۲۰).

با مسلمان شدن غازان خان عناصر مهم اسلامی از جمله مدارس، مساجد در شهرسازی ایلخانی مورد توجه بیشتر قرار گرفت و فرهنگ وقف نیز در این دوره از رونق خاصی برخوردار گردید. در ایجاد شهرها و رونق گرفتن شهرهای این دوره وزیران خردمند ایرانی نظیر خواجه نصیرالدین طوسی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی نقش بسیار مهمی داشتند که توانستند با درایت خود علاوه بر اینکه حاکمان مغول را به تدریج و با سیاست تابع مذهب اسلام نمایند از نظر فرهنگی، هنری، اجتماعی و همچنین شهرسازی آنها را تحت تاثیر گذشته‌ی ایران قرار دهند تا بتوانند از این طریق فرهنگ نابود شده به دست این قوم وحشی را دوباره احیا نمایند. با توجه به خصوصیات مکتوب از شهرک‌هایی چون شنب‌غازان، ربع‌رشیدی و خصوصاً شهر سلطانیه می‌توان به وضوح رونق شهر سازی را در این دوره مشاهده نمود(طالب نیا و نجفی، ۱۳۹۴: ۳). محققانی که تحولات شهرسازی ایران را مطالعه نموده‌اند، عصر ایلخانی را به لحاظ شهرسازی دوره گذرا از شیوه آذری به مکتب اصفهان دانسته‌اند و چون عمدتاً اولین مجموعه‌ها و بناها در منطقه آذربایجان احداث شده‌اند، سبک معماری این دوره به ((شیوه آذری)) معروف است و آغاز این سبک را نیز از دوره غازان خان بیان کرده‌اند(کریمی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۸). در ایران گرچه حمله مغولان اثرات مخرب و ویرانگری بر شهرهای ایران گذاشت، لیک مغولان و همیاران ایرانی ایشان، بعد از تاسیس حکومت ایلخانی، درصدد جبران خرابی‌ها و بازسازی شهرهای ویران شده بر آمدند. علاوه بر این مغولان در طول حاکمیت خود بر ایران، بنیان تعدادی از شهرهای جدید را نیز گذاشتند. (اصفهانیان و خزائلی، ۱۳۸۱: ۶۱).

۵- شهر سلطانیه

حافظ ابرو در ذیل جامع التواریخ رشیدی آورده است (ص ۶۷):

«یک روز سلطان الجایتو نشسته بود و امرا و ارکان دولت حاضر بودند مثل امیر قتلغشاه و امیر چوپان و امیر فولاد جنکسان [فولاد چینگ سانک، چینگسانگ] و امیر حسین و امیر سونج و امیر ایسن قتلغ و دیگر امرای بزرگ و وزرای نامدار، در صفت پادشاهان و آثاری از ایشان یادگار مانده است سخن گفت و فرمود ... بعد از آن فرمود که یک روز پیش پدر خود پادشاه ارغون که از پادشاهان گیتی بداد و عدل و دانش ممتاز بود حاضر بودم او را داعی عمارت سلطانیه بر خاطر خطور کرده بود فرمود همچنان که من پادشاه جهانم می‌خواهم شهری بنا کنم که آن شاه بلاد بود، جماعتی که حاضر بودند بسی مواضع نام بردند و هر یک از آنچه از غیب و هنر دانستند باز نمودند آخر الامر موضع قنقوراولانک [قنقوراولونک] اختیار کردند که یا بیلاقی بغایت منزه است و قرای بسیار در حوالی آن و مرغزارهای خوب و هوای خوش و سردسیر و گرم سیر نزدیک و علف خوار بسیار، فرمان فرمود تا طرح شهر برکشیدند و بنای قلعه آن از سنگ تراشیده اشرار فرمود، فاما چون بنیاد عمارت کرد زمانه فرصت نداد که باتمام رسد اکنون می‌خواهم که آنچه پدر من بنیاد کرده بود اگر حق سبحانه توفیق بخشد باتمام رسانم چه فرزند شایسه آنست که پیروی پدر و مادر کند و نام او زنده دارد...»

تقریباً نیمه راه میان اهر و زنجان در وسط جلگه بزرگی که مقسم آبهای است که در جهت غربی به سفید رود و در جهت شرقی به کویر می‌روند، خرابه‌های سلطانیه دیده می‌شود (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۴۰). تومان قزوین که بعد از ساخته شدن و مرکزیت یافتن شهر سلطانیه به ((تومان سلطانیه و قزوین نامیده شد))، از لحاظ تعداد شهرها، رتبه اول را در میان تومن‌های عراق عجم داشت. به گفته حمدالله مستوفی در این تومان ۹ شهر وجود داشت. بجز سلطانیه که پایتخت تازه بنیاد مغولان ایران بود. دیگر شهرهای این تومان شهرهایی متوسط و کوچک بودند (خزائی، ۱۳۹۶: ۳۵). این دشت بزرگ و پوشیده از علف از همان ابتدای ورود مغولان به ایران مورد توجه قرار گرفت و برای بهره‌مندی از مراتع غنی و آباد این ناحیه معمولاً طوایف مغولی و اردوهای ایلخانی در آنجا مستقر می‌شدند. به گفته ابوالفدا مغولان به این دشت قنقوراولانک می‌گفتند. اولین تلاش برای ایجاد شهر در قنقوراولانک توسط ارغون انجام گرفت (همان).

شهر سلطانیه را می‌توان از نظر مطالعاتی مهمترین شهرها و پایتخت‌های دوره ایلخانی دانست. این شهر در زمان اوج قدرت و ثبات حکومت ایلخانی بنا شده، همچنین تفاوت این شهر با سایر پایتخت‌های دوره ی ایلخانی در این است که شهری تازه تاسیس بوده که با سبک و الگوی مورد نظر خود ایلخانان ساخته شد و مانند پایتخت‌های دیگر قبلاً مرکزیت شهری نداشته که در دوره ی ایلخانی به آن الحاقاتی افزوده شود و و یا مانند شهرها و شهرک‌هایی که در این دوره ساخته شده‌اند نیز نمی‌باشد زیرا اهمیت و جایگاه پایتختی آنرا از سایر شهرهای ساخته شده در این دوره متمایز می‌نماید. به همین دلیل با مطالعه ی دقیق ساختار این شهر و مقایسه با دیگر شهرهای ساخته در دوره ایلخانی و همچنین پایتخت‌های دیگر این حکومت می‌توان مهمترین عناصر شهری و همچنین سبک و ساختار شهرهای دوره ایلخانی را کاملاً مشخص نمود (طالب نیا و نجفی، ۱۳۹۴: ۱۳).

قبل از حمله مغول در سلطانیه فعلی هیچ گونه اثر ساختمانی نبوده و این ناحیه به شکل مرغزار و چمنزار بوده است. سلاطین مغول پس از استقرار در ایران و پایتخت قرار دادن تبریز، کم‌کم برای شکار و گذراندن ایام تابستان بدان سو روانه می‌شدند و با افراشتن چادرها، ایام استراحت تابستانی را در آن جا سپری می‌کردند. به همین جهت، این محل قنقوراولانک یا به قولی ایقرتولن یعنی چمنزار یا شکارگاه شاهین نامیده می‌شد (نصرالهی و قسوریان جهرمی، ۱۳۹۴: ۲۹۴).

با وجود آن که ایلخانان (۷۵۰-۵۶۴ ق) مراغه و سپس تبریز را به پایتختی برگزیدند، اندیشه ایجاد شهری که نماد امپراتوری این صحرانوردان باشد آنها را به ساخت سلطانیه ترغیب نمود (رضوان و کریمیان، ۱۳۹۳: ۳۹). شهر سلطانیه با نقشه‌ای از پیش طراحی شده و منطقه‌ای که برای ساخت آن انتخاب شده بود و با تمام نیازهای زندگی مغولان سازگاری داشت ساخته شده بود. این شهر که در زمان ارغون مقدمات اولیه ساخت آن انجام پذیرفت، اما به دلیل مرگش ساخت آن انجام نگرفت. اما جانشین او الجایتو دستور به ساخت شهر را داد تا یکی از آرزوهای ارغون‌خان مغول را به مرحله اجرا گذارد و دستور داد بنای شهر سلطانیه برای انتقال پایتخت از تبریز آغاز شود. وی سلطانیه را به شهر کامل تبدیل کرد و تلاش بسیار کرد تا آن را گسترش دهد و مقبولیت عام برای آن فراهم آورد. اما این شهر پس از مرگ الجایتو رو به انحطاط نهاد و فقط آرامگاه مجلل خودش برفراز دشت سلطانیه از آن باقی ماند (نقره کار و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۹).

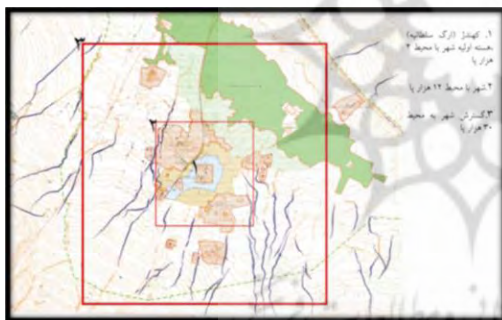
در اکثر کتب تاریخی این دوره مانند «ذیل جوامع التواریخ» اثر حافظ ابرو، «تاریخ و صاف»، تاریخ الجایتو، اثر کاشانی، اطلاعات جامع و گسترده‌ای درباره علل انتخاب محل شهر، چگونگی ساخت، شکل شهر و فضاهای کالبدی آن وارد شده است. بر اساس اطلاعات موجود در منابع مذکور، مخارج ساختمان و اجناس و آلات لازم برای ساخت این شهر بر مالی که از ولایات می‌رسید حواله شد و رسولانی برای گردآوری آن به اطراف کسبل شدند و بنایان و مهندسان به کار مشغول گردیدند و گروه کثیری از صنعتگران با زن و فرزند به آنجا کوچ کردند. بنا به وصف کاشانی، این شهر «محروسه ای همانند تبریز بسیار عریض و فسیح بود».

سپس کاشانی گنبد و تاسیسات وابسته به آن، ابواب البر، خانقاه، مدرسه، دارالشفاء، دارالضیافه، خیابان‌ها و دکانین شهر را وصف کرده است (اصفهانیان و خزائی، ۱۳۸۳: ۲۴ و ۲۶).

یکی از افرادی که بیشترین عمارات را در سلطانیه ساخت خواجه علیشاه جیلانی است. وسعت عمارات ساخته شده توسط وی در سلطانیه به قدری بود که برخی تصور کرده‌اند وی مسئولیت اصلی ساخت شهر را به عهده داشته است. از جمله این عمارات یکی بازاری بسیار عالی به نام بزازان بود این بازار بنا به گفته کاشانی «کم خرج و بسیار دخل بود» و از سنگ و آجر پخته ساخته شده بود در علو رفعت قرار داشت. علاوه بر این، خواجه علیشاه کاخی به نام «بهشت» نزدیک قلعه سلطانیه ساخته بود. کاشانی می‌نویسد: «در این کوشک دیوارها از زر و طلا، مرصع به لثالی و جواهر گوناگون بود. جدار و فرش آن جمله از یاقوت و فیروزه و لعل و زبرجد و بیجاده کرده، از غایت خوشی و فرخی نام آن بهشت نهاده».

خواجه رشیدالدین فضل‌ا... دیگر وزیر الجایتو و رقیب علیشاه جیلانی نیز در سلطانیه عماراتی را برآورده است و از آن جمله محله‌ای به نام رشیدیه بود. حافظ ابرو این محله را دیده و آنرا این گونه وصف می‌کند: «در آنجا قریب هزار خانه بوده و عمارانی عالی و دو مناره بزرگ بر دو طرف ایوان آن و در آن عمارت مدرسه، دارالشفاء و خانقاه و هر یک با موقوفات بسیار قرار داشت. علاوه بر این، الجایتو بنیاد موقوفاتی شبیه شب غازان و ربع رشیدی در سلطانیه برآورده و تولیت آن را به رشیدالدین فضل‌الله واگذار کرده بود» (همان: ۲۶). (شکل ۲)

در زمانی که فرهنگ ایرانی تسلط کامل خویش را باز یافته، و فرمانروایان ایلخانی نیز در قبضه وزیران و مشاوران هنرپرور این سرزمین استقرار یافتند، شهر سلطانیه به تقلید از سنت‌های شهرسازی ایران، همانند شهرهای بیشاپور و جندی‌شاپور و با پلان مربع ساخته شد. در کتاب حبیب‌السیر چنین آمده: «شهر را مربع وضع نموده بودند و طول هر دیواری از ارکانش پانصد گز بود و یک دروازه و شانزده برج داشت» (رضوان و کریمیان، ۱۳۹۳: ۴۰). (شکل ۳)



شکل ۳- مراحل شکل‌گیری شهر و توسعه آن (رضوان و کریمیان، ۱۳۹۳: ۴۰).

شکل ۲- مینیاتور المترکی که نشان دهنده شهر سلطانیه دارد و در قرن ۱۶ میلادی ترسیم شده است (طالب‌نیا و نجفی، ۱۳۹۴: ۱۳).

با احداث شهر سلطانیه به عنوان پایتخت، راه‌های امپراتوری که از سلطانیه منشعب می‌شد، شامل سه راه اصلی بود که یکی به شمال غربی یعنی تبریز، مرند و در نهایت دریای مدیترانه، یکی به جنوب شرقی یعنی ری و خراسان، و دیگری به جنوب غربی یعنی به همدان و بغداد می‌رفت. مسیری که به سمت جنوب شرقی می‌رفت در ری خود به دوراه تقسیم می‌شد که یکی به جنوب و یکی به شرق می‌رفت. راهی که از ری به سمت جنوب می‌رود یکی از مهم‌ترین انشعابات جاده ابریشم است (نصراللهی و قسوریان-چهرمی، ۱۳۹۴: ۲۲۹۶).

شاهراهی که از شهر سلطانیه به عنوان مرکز سیاسی و تجار زمان آغاز می‌شده به شرح ذیل است:
 شاهراه جنوبی: راهی که به همدان و از آنجا به بغداد و مکه می‌رفته است.
 شاهراه شرقی: راهی که به قزوین و ورامین و از آنجا به خراسان می‌رفته است.
 شاهراه شمالی: که از طریق زنجان به اردبیل و ولایت قفقاز می‌رفته است.
 شاهراه غربی: راهی که از زنجان به تبریز و آسیای صغیر می‌رفته است.

شاهراه بین شرق و جنوب: راهی که از طریق ساوه به قم و از آنجا به اصفهان و شیراز و بنادر خلیج فارس می‌رفته است (همان).

۶- ابواب البر

در داخل این ارگ به جز بنای آرامگاه الجایتو یک مجموعه از عناصر شهری وجود داشته است که جالب‌ترین آن مجموعه معروف ابواب البر می‌باشد. ابواب البر مخصوص دوره ایلخانی می‌باشد که در اطراف گنبدی که مقبره بانی مجموعه بوده شکل گرفته است (نصرالهی، ۱۳۹۴: ۵). ابواب البر از نظر لغوی به معنای درهای نیکوتری و رحمت است و در اصطلاح به مجموعه‌هایی گفته می‌شود که حکام برای رضای خداوند و طلب دعای مومنان به صورت موقوفاتی به وجود می‌آوردند (نقره‌کار و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۸). آغاز ساخت چنین مجموعه‌هایی را که اولین نمونه آن، شنب غازان است، می‌توان به غازان خان نسبت داد. پس از اسلام آوردن غازان خان و با در نظر گرفتن قوانین مذهبی مغولان در مورد دفن مردگان، وی اولین ایلخانی بود که برای خود مقبره ساخت. ایده اولیه احداث این مجموعه‌ها، ایجاد اماکن عام المنفعه برای مردم بود تا همان طور که از اسمش پیداست، آثار متاخر این باقیات در آن دنیا باب‌های بری، برای سازندگان و واقفانشان باشد (همان).

در متون تاریخی به وفور از احداث ابواب البرها یاد شده است که از آن جمله می‌توان به مجموعه مزار شیخ عبدالصمد، تربت شیخ جام، مدرسه-مقبره رکن الدین، شنب غازان، ربع‌رشدی و سلطانیه اشاره کرد. سه مورد شنب غازان، ربع‌رشدی و سلطانیه از نظر وسعت -ابواب البر در وسعت یک شهر- و فلسفه احداث، قابل تامل و توجه است. مجموعه‌های ابواب البر به عنوان هسته اصلی شهر و مهم ترین عامل شکل دهنده آن و تجلی عینی نظام سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و شهرسازی ایلخانی محسوب می‌شوند. آشنایی با این مجموعه‌ها برای دستیابی به سازمان فضایی شهر ایلخانی که در حاله‌ای از ابهام است ضرورت دارد (همان).

۷- کهن دژ

به نظر می‌رسد ساخت و سازه‌های وزرا و اعیان با محوریت ارگ سلطنتی انجام گرفته است. شهر از دو بخش تشکیل شده بود؛ محلات شهری و کهن دژ یا ارگ سلطنتی. محدوده ارگ در وسط شهر به ابعاد ۴۵۰*۴۵۰ متر بوده و مساحتی برابر با ۱۸ هکتار را اشغال نموده است. این بخش دارای خندق و حصار است که به نظر می‌رسد در احداث آن‌ها تجربه حصار و خندق شنب‌غازان به سلطانیه منتقل شده باشد. در کاوش‌های سال ۱۳۶۶ هجری شمسی، بقایای خندق در فاصله ۱۷ متری از برج و بارو در جبهه جنوبی تربت خانه کشف شد که کشف شد که با پهنای بین ۳۰ تا ۴۰ متر، ارگ سلطنتی را احاطه می‌کرده است. بر اساس نوشته مورخین، قلعه یا ارگ یک دروازه داشته است؛ این در حالیست که حافظ‌ابرو، در ذکر حال دمشق، پسر امیر چوپان از ورودی کوچک‌تری که در ضلع جنوبی قلعه تعبیه شده بود، صحبت به میان می‌آورد. از این مطلب چنین استنباط می‌شود که دروازه اصلی، عمومی و مخصوص عبور و مرور عادی بوده و دروازه جنوبی اختصاصی و در مواقع خاص و یا اضطرار مورد استفاده قرار می‌گرفته است. کاوش‌های اخیر باستان‌شناسانه، دروازه‌های شمالی و جنوبی را کشف و مکان یابی نمود؛ در واقع، ارگ، هسته اصلی و بنیادین شهر را تشکیل داده بود. سعید گنجوی در کاوش‌های سال ۱۳۵۴ هجری شمسی، بخشی از دیوار عظیم سنگی آن را که با سنگ‌های سبز رنگ حجاری شده، ساخته شده بود کشف کرد (رضوان و کریمیان، ۱۳۹۳: ۴۴).



شکل ۴- عکس هوایی شهر سلطانیه و آثار به جای مانده از آن (طلب نیا و نجفی، ۱۳۹۴: ۱۰).

بخش حکومتی و اداری و محل سکونت ایلخانان و نزدیکان، در محل ارگ بوده است. در روضه الصفا می‌خوانیم: «...پادشاه و امرا، بسیار در اندرون قلعه کرده بودند و الجایتو متصل به گنبد چند عمارت عالی ساخته است؛ و مسجدی به تکلف و دارالضیافه و دارالسیاده و موقوفات بسیار بر آن وقف کرده و سرای خاصه خود در اندرون ساخت چنانچه صحن سرا صددرصد

نهاده‌اند و صفا عالی بر مثال ایوان کسری و داوزده سراچه در حوالی آن متصل سرا، و از هر یک پنجره دری به صحن سرای گسترده و صحن آن را از سنگ مرمر فرش انداخته و دیوان خانه بزرگ که دو هزار آدمی را در آن گنجند و آن را کریاس نام کرده و ...»

چنان که از نقشه مطراچی بر می‌آید مهندسان و معماران و طراحان سلطانی با ایجاد کانال‌های آب جاری در ارگ، منظری زیبا و مصفا به وجود آورده بودند. به نظر می‌رسد که این دو کانال ضمن انشعاب رودخانه «زنجان چای» از جانب شمال غربی وارد ارگ شده و با گذر از محلات آن از دیوارهای جنوب غربی خارج می‌گردید (رضوان و کریمیان، ۱۳۹۳: ۴۴ و ۴۵). دروازه جنوبی (دروازه شاهی): در اکثر سفرنامه‌ها و کتب تاریخی که بخشی از آن به ایام سلطنت محمد خدا بنده شهر قدیم سلطانیه یا پایتخت ایلخانان در قرن هشتم ه.ق اختصاص یافته است به خصوصیات ارگ سلطانیه و زیبایی‌های آن اشارات بسیاری شده است و فقط از یک ورودی صحبت به میان آمده و آن هم ورودی شمالی ارگ است و هرگز از دروازه جنوبی ارگ که فقط اختصاص به خاندان سلطنتی داشته سخنی آورده نشده است. فقط در کتاب تاریخ الجایتو در ذکر فرار سلطان ابوسعید از ارگ به بیرون در واقعه امیر چوپان اشاره به این دروازه شده است و از آن به عنوان دروازه اختصاصی یاد گردیده است (نصرالهی و دیگران، ۱۳۹۴: ۷).

دروازه جنوبی از هر نظر هماهنگ و بر شیوه حصار چینی برج و باروها اجرا شده است و از نظر تکنیک ناماسازی هم پایه دیگر نماهای بیرونی ارگ می‌باشد. با وصف ناقص بودن شواهد دلالت بر این دارد که اعتبار ویژگی فنی و هنری در ساخت این دروازه چیزی کمتر از دروازه شمالی یا دروازه تشریفات نداشته است (همان). ورودی این دروازه در شرق دروازه اجرا شده است و به همین لحاظ داخل ارگ از دروازه جنوبی دید مستقیم به خارج ندارد و هم چنین دید بیرونی را به داخل ارگ بسته است. دروازه با یک گردش ۹۰ درجه‌ای به سمت داخل ارگ پیچیده و در راستای محور شمالی_جنوبی داخل ارگ قرار می‌گیرد. وجود چند دهلیز بزرگ در مسیر گردش داخلی دروازه شاید به خاطر حفاظت و مراقبت ویژه از دروازه بوده است (همان).

دروازه شمالی (دروازه تشریفات): معماری و شهرسازی دوره ایلخانی در شهر قدیم سلطانیه به کمال خود می‌رسد و ارگ سلطانیه نقطه عطفی در شهر قدیم سلطانیه بوده و گسترش شهر تابعی از آن به حساب می‌آید. ورودی اصلی این ارگ که شاید بزرگ‌ترین و عظیم‌ترین ارگی باشد که تاکنون در ایران ساخته شده است و از نظر اهمیت سازه‌ای همان ویژگی دروازه جنوبی را داراست. ورودی این دروازه از شرق است که در پیش آمدگی معماری این بخش ساخته شده است. داخل ارگ از این ورودی دید مستقیم ندارد و این مطلبی است که در دروازه جنوبی هم رعایت شده است. آن چه که اهمیت ویژه‌ای به این دروازه می‌دهد پیوند آن پس از ساختمان‌های جانبی با معبر اصلی ارگ است که شریان اصلی داخل ارگ به حساب می‌آید. از آن جا که گنبد سلطانیه به بخش‌های مختلف تقسیم می‌شود، شاید قدمت آن به دوره ارغون شاه برسد (نصرالهی و دیگران، ۱۳۹۴: ۷).

معبر اصلی شاید باشکوه‌ترین معبری باشد که در تمام ادوار تاریخی اسلامی ایران ساخته شده است. این معبر از دو سو با پایه ستون‌هایی که احتمالاً توسط چشم طاق‌هایی به هم متصل می‌شدند از دیگر واحدهای داخل ارگ جدا شده است. متأسفانه به لحاظ ساخت و سازهای قرون بعد در محدوده خاکبرداری شده ستون‌های دو سوی معبر صدمه بسیاری دیده اند. این پایه ستون‌ها از سنگ سبز و دقیقاً مشابه سنگ‌های برج و بارو ساخته شده‌اند و شیوه ساخت و درزگیری آن‌ها شبیه کاری است که در به انجام رساندن برج و باروها رعایت شده است. هنوز ارتباط ورودی شمالی گنبد سلطانیه که در گذشته ایوانی مجلل با گچبری‌های زیبا و در شکل اسلیمی با احادیشی از رسول اکرم آن را شکوهمند می‌ساخته با این معبر معلوم نیست. ارتباط معبر ورودی شمالی گنبد از ویژگی‌های معماری بافت داخل ارگ است (همان).

۸- مقبره الجایتو

در قسمت جنوب غربی کهن دژ (ارگ سلطنتی)، آرامگاه الجایتو یا گنبد سلطانیه به عنوان یکی از بناهای عظیم اسلامی و شاید باشکوه‌ترین آن‌ها همچون نگینی سربرافراشته و خودنمایی می‌کند. این بنا در دوران حکومت سلطان خدابنده الجایتو در مدت ۹ سال (از ۷۰۴ الی ۷۱۲ هجری قمری) احداث شده است (یگانه و شهرکی، ۱۳۹۶: ۳۹۶). مطالعه گنبد سلطانیه زمانی صورت کامل بخود خواهد گرفت که آنرا با مجموعه بناهای ارگ سلطانیه مورد مطالعه و پژوهش قرار دهیم. زیرا بدون در نظر گرفتن رابطه فی‌مابین کلیه واحدهای ارگ از جمله گنبد سلطانیه با دیگر واحدها و بالعکس، مطالعه ما فقط توصیف بنا از نقطه نظر معماری و دیگر هنرهای وابسته آن خواهد بود (کیانی، ۱۳۷۰: ۱۷۱). این بنای عظیم که کلیه اجزای آن در ترکیب با یکدیگر هماهنگی معقول و زیبا پسندانه دارند، بنابر آثار و شواهد مکشوفه با بناهای اطراف خود هم از چنین ارتباطی برخوردار بوده است. ارتفاع این بنا گذشته از معیارهای معماری که در آن به صورت کامل رعایت شده در ارتباط با گسترش شهر در نظر گرفته شده است. بلندای این گنبد با هشت مودنه آن به نحوی انتخاب شده تا در گسترش شهر گم نشود. در حقیقت این بنا، گذشته از عملکردهای واقعی که مورد توجه و مقصود سازنده آن بوده، به صورت یک برج عملکرد داشته است. زیرا که بنای رفیع گنبد سلطانیه تقریباً در وسط دشت بنا شده، از هر سو قابل روئیت است (حاتم، ۱۳۷۵: ۲۰۱).

زمین طبیعی سلطانیه فشرده و یکپارچه متشکل از مواد آهکی و خاک رس و خرده سنگ های کوچک (حداکثر ۲ سانتیمتر) می باشد. این خصوصیت موجب شده است تا زیر پای گنبد سلطانیه محکم و سفت باشد. یکی از علل پایداری گنبد سلطانیه در مقابل عوامل مختلف تخریب همین یکپارچه بودن زمین است (همان). این موید آن است که سازندگان بنا با در نظر داشتن ابعاد و فشار بنا از موقعیت خوب زمین باخبر بوده اند (همان). گنبد سلطانیه با قطر دهانه در حدود ۵/۲۵ متر و ارتفاعی نزدیک به ۴۸ متر بنایی هشت ضلعی منظم که طول هر ضلع آن ۱۷ متر است. در داخل بنا این هشت ضلع در طبقه هم کف به صورت ۸ ایوان (چهاربزرگ و چهار کوچک) مشخص است. در ایوان از چهار ایوان بزرگ با چهار درگاه وسیع و بلند با بیرون ارتباط دارند و ایوان های کوچک به بناهای پیوسته گنبد متصل می شده اند (کیانی، ۱۳۷۰: ۱۷۳).

گنبد عظیم سلطانیه بر فراز بنای هشت گوشه ای تعبیه شده است. بر روی هر کدام از جرزه های هشت گانه در بالا، آثار مناره-هایی به قطر یک متر و بلندای ۵/۳ متر که با زیباترین معرق کاری مزین شده اند، باقی است. داخل مناره ها پلکانی مارپیچی به عرض ۷۰ سانتیمتر که به حول قطر ۲۰ سانتی متر می پیچند. این مناره ها فشار گنبد را عمودا خنثی می نمایند. عقاید مختلفی در مورد انتخاب هشت ضلعی بنا، عنوان می شود. عده ای این انتخاب را به دلیل ایستایی و استحکام بنا دانسته اند، برخی به آن نشانه-های مذهبی و مقدس داده اند. آنچه مسلم است عدد هشت، نه مقدس و نه دلیل مذهبی دارد. صرفا انتخاب این طرح از روی محاسبات تجربی معماری و به خاطر مرکزیت و ایستایی و احتمالا ایجاد ساعت آفتابی در نظر گرفته شده است. و یا بیش تر جهت نشان دادن تزیینات و زیبایی بدنه گنبد در تمام طول روز است (حاتم، ۱۳۷۶: ۲۰۳). آرامگاه الجایتو در سلطانیه، اکنون نیز به صورت منفرد و پابرجاست. اما همیشه اینگونه نبوده است، همانند سایر مجموعه های عمده تدفینی دوره ایلخانی، آرامگاه الجایتو هم بخشی از یک بنیاد خیریه بوه است. مورخین ایرانی، بخش های مختلفی را برای این مجموعه فهرست کرده اند که شامل مکان برای نمازگزاران، آموزش، قرآن خواندن و دستورالعمل های اقامتگاه و شفاخانه بوده است. اگرچه ممکن است مکان هایی مشابه بدین منظور وجود داشته اند، ولی این مجموعه به صورت بی نظیری جزء بزرگترین بنیادهای خیریه آن زمان بوده است. آملی، کسی که از دانش آموختگان آنجاست، گزارش می دهد که در این دوره به وی بیش از ۱۰۰ تومان اعطا می شده است. کاشانی نیز به ما می-گوید: « تمامی جاهای حیاط با مرمر سفید سنگفرش شده بود و سقف آن قوس دار است. و زیر قوس های پشت سر هم (رواق) مقرنس کاری شده است» (بلر، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

۹-مدارس

در منابع، به وجود مدرسی در این شهر اشاره شده که از چگونگی و تعداد آنها اطلاع دقیقی در دست نیست. کاشانی در توصیف بنای شهر به احداث مدرسی اشاره کرده است. حافظابرو نیز در همین مبحث از ساخته شدن مدرسه های عالی برابر نمونه مستنصریه بغداد یاد می کند. بنابراین در اینکه در سلطانیه مدرسی وجود داشته، شکی نیست، اما همان طور که گفتیم درباره جزئیات آن ها خبری در دست نیست، حتی معلوم نیست که همه مورخین اشاره به یک مدرسه می کنند و یا نه. و صاف از مدرسه های به نام ((غیائیه)) (غیاث الدین لقب الجایتوست) نام می برد. میرخواند از بناهایی که به دست خواجه رشیدالدین در جوار گنبد سلطانیه احداث شده و شامل یک مدرسه هم بوده، سخن می گوید. بنابراین، اطلاعات ما به همین محدود می شود که در شهر سلطانیه مدرسه و درس دایر بوده و به نظر می رسد تعداد آن بیش از یکی بوده است (عباسی، ۱۳۷۴: ۷۵). ظاهرا پس از مرگ الجایتو و خواجه رشیدالدین که شهر سلطانیه از رونق سابق برخوردار نبود، مدارس آن هم از فعالیت افتادند، چرا که خبری از آنها در منابع نیست (همان: ۷۶). در سلطانیه مدرسه ای نیز به تقلید از مدرسه مستنصریه بغداد ایجاد گردید و برای تدریس در آن، مدرسان و علما از دیگر نقاط گردآمدند (ترکمنی آذر، ۱۳۸۶: ۲۳).

در مدرسه سلطانیه شانزده مدرس و معید حضور داشتند و دویست طلبه به آموزش عقاید شیعی می پرداختند. معروف ترین مدرس این مدرسه، جمال الدین حسن بن مطهر حلی بود که در علوم معقول و منقول تبحر داشت و تالیفات بسیاری در زمینه مذهب شیعه دارد. این دانشمند مورد توجه الجایتو بود و او را با اصول مذهب تشیع آشنا ساخته، به طوری که الجایتو قبول تشیع کرده بود. به همین جهت، الجایتو دستور داد علمای شیعه را به سلطانیه دعوت کنند تا در مدارس آن به تعلیم اصول و عقاید این مذهب بپردازند. در سلطانیه علاوه بر آموزش علوم دینی، آموزش صنایع و فنون نیز رواج داشت (همان).

۱۰-مسجد جامع

الجایتو همچنین مسجد جامع بزرگی با دیوار گنجره دار، ساخت که احتمالا به خاطر خصوصیات ساده آن در میان سایر مساجد شهرهای اسلامی آنچنان شهرت نداشته است و مورخین به ندرت این بنا را توصیف کرده اند و تنها دلیلش به خاطر ارتباط با مدرسه و بیمارستان است و آن را با مستنصریه در بغداد مقایسه کرده اند (بلر، ۱۳۹۰: ۱۲۳). اراضی مسجد جمعه یا جامع محوطه ای است که

بنابر گفته معمرین سلطانیه محل مسجد جامع شهر قدیم شهر سلطانیه می‌باشد. در اطراف این محوطه آثار مختلفی از کاشی، گچبری، آجر و قطعاتی از تزئینات معرق سطوح بنا و همچنین قطعات سنگ مرمر قابل روئیت است. این آثار موید گفته حافظ ابرو است که می‌گوید:

“اما مسجد جمعه که سلطان ساخت بتکلیفی هر چه تمامتر سنگهای مرمر کاشیکاری بسیار.”

این مسجد در تمام طول حکومت ایخانان در ایران مورد توجه بوده و بعد از سلطان محمد خدابنده اکثر سلاطین سلسله ایلخانی پس از به سلطنت رسیدن به این مسجد می‌رفتند تا خطبه به نام آنان خوانده شود چنانکه آریاخان (=آریاکاون) جانشین سلطان ابوسعید چون به سلطنت رسید “در روز جمعه در مسجد جامع در رفت و آن روز ذکر سلطنت بالقب او معزالدین والدین بخواندند.” ادوارد براون در کتاب “یکسال در میان ایرانیان” ضمن شرح وضعیت سلطانیه و تاکید بر اینکه سلطانیه بیش از یک قریه نیست و خانه‌های محقر قریه با گنبد با شکوه آن مناسبت ندارد قید می‌کند که بنائی دیگر در شمال غربی گنبد سلطانیه واقع بوده است. طرح ارائه شده توسط لوئی دو بو و موقعیت مکانی اراضی مسجد جمعه گفته وی را مورد تایید قرار می‌دهد. وی می‌نویسد:

“سه ساعت قبل از اینکه به سلطانیه برسیم گنبد بزرگ و سبز رنگ سلطانیه که بدان مناسبت شهر مزبور معروفیت دارد از دور پدیدار بود وقتی که از دور منظره سلطانیه را از نظر میگذرانیم اینطور تصور می‌شود که بنای مسجد (=گنبد) عظیم است ولی وقتی که نزدیک می‌شویم میفهمیم که مسجد خیلی بزرگ نیست. بلکه عمارت دیگری در آنجا وجود دارد که در قسمت شمال غربی مسجد واقع شده است و از دور اینطور به نظر میرسد که هر دو یکی هستند” (کیانی، ۱۳۷۰: ۱۹۵).

لوئی دو بو در شرح سلطانیه از مسجد جامع هم صحبت می‌کند، وی می‌گوید: “این شهر در گذشته شکوه و عظمت زیاد داشت امروز بحال ویرانی افتاده است. دو مسجدی که بفرمان الجایتو معروف به خدابنده ساخته شده تنها بنائی هستند که فعلا نیز پابرجا میباشند.”

یکی از این مساجد که زیباترین ابنیه ایران است در اوایل همین قرن بر اثر زمین لرزه شدید صدمه زیاد دیده و ویران شده و از آن به جز توده مخروبه چیز دیگری باقی نمانده است. (مسجد جامع) لیکن مسجد دومی هنوز باقیست و چندان خرابی به آن راه نیافته است (کیانی، ۱۳۷۰: ۱۹۵).

بار تولد در کتاب “تذکره جغرافیای تاریخی ایران” در مورد گنبد سلطانیه و مسجد جامع سلطانیه می‌نویسد: در این زمان فقط خرابه‌های قرن چهاردهم یعنی دو مسجد وسیع جالب توجه است.

طرح‌های ارئه شده از مسجد جامع نشان می‌دهد که پلان اولیه مسجد چهارگوش بوده و گنبد برفراز گریوی بلند قرار داشته است. در محل شروع گنبد یک ردیف مقرنس پیشانی گنبد را تزئین می‌نموده است. اطراف مسجد را صحن وسیعی احاطه نموده بود که دروازه‌های بلند و مزین به گچ بری آن ساخته و پرداخته ارزشمندترین هنرمندان قرن هشتم هجری است. هنرمندانی که هنرشان فقط در خدمت ساختمان‌های مذهبی بوده است (همان: ۱۹۶).

۱۱- کاخ

حافظ ابرو بهترین توصیف را از کاخ عظیمی که الجایتو در سلطانیه بنا کرده است ارائه می‌دهد. حیاط چهار گوشه که با سنگ مرمر در ابعاد ۱۰۰ در ۱۰۰ گز فرش شده است. وجود ایوان عظیم در اطراف حیاط، همانند کاخ خسرو در تیسفون و دروازه واحد کوچکتر (سرایچه)، یک پنجره بزرگ برای چشم انداز به داخل حیاط اصلی داشته است. در این کاخ همچنین مهمانخانه‌ای وجود دارد (دیوان خان) که به اندازه کافی بزرگ بوده و ظرفیت ۲۰۰۰ نفر را داشته و به کریاس معروف بوده است (بلر، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

۱۲- بازار

از آنجایی که مساجد جامع (قلب مذهبی) شهرهای ایران عموماً با قطب اقتصادی یعنی بازار در ارتباط تنگاتنگ بوده است؛ مکان بازار معروف سلطانیه را که پس از آتش سوزی سال ۷۱۲ ه.ق تاج الدین علیشاه دوباره آن را ساخته و پرداخته بود می‌توان حدوداً در قسمت شمال غربی شهر فعلی سلطانیه دانست (رضوان و کریمیان، ۱۳۹۳: ۴۷). ابوالقاسم کاشانی (ص ۲۶) در توصیف شهر سلطانیه می‌گوید: ((افزون از ده هزار دکان معمور و موفور به دیبای چین ... دکانها شهر مشحون به حقائق و صنایق و کاسات و اباریق و نفایس جواهر و عرایس ... شهر مستغرق به اقمشه و امته نفیس شریفه به کسوت و کالای بی‌حشو میان پر از انجیر مملو به صنایع و (اهل) حرفت مشتهر و بزازان و تجار معتبر)).

حداقل بخش عمده‌ای از این ده هزار دکان متعلق به بازار شهر بوده است. بر اساس شواهد تاریخی، بازار شهر سلطانیه دارای چندین راسته بوده که هر کدام از آنها به صنفی از تجار تعلق داشته است. بدیهی است که از این راسته‌ها که وسیعترین معابر بازار محسوب می‌شده‌اند، به محله‌ای از شهر منتهی می‌گردیدند (کیانی، ۱۳۷۴: ۵۵۷).

۱۳- مقبره ابوسعید

کلایخو همچنین به یک قصر بزرگ مشتمل از ساختمان‌های زیاد در بیرون شهر اشاره می‌کند. او برای ما بیان می‌دارد که فرمانروا بزرگ همان کسی که این بنا را ساخته بود. در داخل آن، درون یک مقبره باشکوه مدفون شده، اما میران شاه مقبره را خراب کرد و جسد او را بیرون انداخت. این نوشته نمی‌تواند مربوط به مقبره الجایتو باشد، به این دلیل که این بنا هنوز پابرجاست و به بنای کاخ اصلی هم مربوط نمی‌شود چون این کاخ در کهندژ واقع بوده است. کلایخو احتمالاً کاخ و مجموعه مقبره پسر الجایتو، ابوسعید را که در سال ۱۳۳۵ میلادی/۷۳۶ هجری ق فوت کرد را توصیف نموده است. جسد و تابوت ابوسعید طبق گفته حافظ ابرو به مقبره (مرقد) و به شهری که او در شارباز نزدیک سلطانیه ساخته بود، حمل شد. در ساختن حومه مقبره خود، ابوسعید از روش مغولان که تا زمان تغییر مذهب غازان‌خان به اسلام در ایران استاندارد و رایج بوده است، دنباله روی کرده است (بلر، ۱۳۹۰: ۱۱۳). ویرانه‌های مقبره ابوسعید ممکن است به عنوان فضایی برای ساخت قصر فتحعلی شاه در سلطان آباد به کار گرفته شده باشد. اقامتگاه قاجار در یک یا دو مایلی شمال غربی شهر ایلخانی واقع شده است. کاخ به تنهایی بر روی یک خاکریز مصنوعی ساخته شده، و آدرین‌دپر یکی از نخستین کسانی است که محل را دیده و اشاره می‌کند که آن کاخ بر روی ویرانه‌های یک مجموعه قدیمی‌تر برافراشته شده است (همان: ۱۱۳).

۱۴- خانقاه و آرامگاه چلبی اوغلو

بنای این مجموعه شامل خانقاه و ساختمان مقبره چلبی اوغلو است. بنای مقبره چلبی اوغلو در پانصد متری جنوب غربی سلطانیه بر سر راه سلطانیه به خدابنده واقع است (رحمن‌پور و بیات، ۱۳۹۵: ۴). بنای خانقاه از قطعات سنگ‌های تراشیده ساخته شده است. شامل ورودی، تالار اتاق جانبی و صحن مرکزی روبازی بوده که اطراف آن را رواق‌ها و اتاق‌های کوچکی فرا گرفته است. واحد نخستین در قسمت ورودی به مرتبه فقرا اختصاص داشته است. طالبان جنت مرتبه بعدی این فرقه، در زوایای قسمت این ورودی جای گرفته‌اند. حجرات انفرادی صحن مرکزی با دارا بودن درهای کوتاه محل ریاضت مریدان را با توجه به مراتب آنها تشکیل می‌دهد. صحن خانقاه محل سماع جمعی بوده که پیر در وسط و مریدان در گرداگرد آن حلقه می‌زده و بدین ترتیب حلقه ذکر برپا می‌گردیده است. واحدهای جنوبی خانقاه بعنوان کلاس‌های آموزشی و فضای واقع در طرفین ایوان جنوبی محل حلقه ذکر زمستانی بوده است. طبقه دوم بنا در طرفین به شدت آسیب دیده و فرو ریخته و در گرداگرد آن عنصری شبیه به جان پناه دیده می‌شود. قرینه‌سازی در کل مجموعه رعایت شده و مصالح اصلی بنا را لاشه سنگ‌ها و ساروج تشکیل داده و سقف حجرات و زوایا، گنبدی شکل می‌باشد. در جرز جنوبی ایوان خانقاه سه قطعه کتیبه در بالا و طرفین محراب به خط ثلث جلی نوشته شده است (همان).



شکل ۵- ریز فضای مجموعه آرامگاهی چلبی اوغلو (رحمن‌پور و بیات، ۱۳۹۵: ۵)

۱۵- شبکه‌های ارتباطی شهر

منابع تاریخی همچنین اطلاعات ارزشمندی در خصوص شبکه‌های ارتباطی شهر به دست می‌دهند. کلایخو می‌نویسد: «... در آنجا خیابان‌ها و میدان‌هایی زیبا که در آن‌ها کالاهای بسیار برای فروش عرضه شده است، وجود دارد. ضمناً در همه محلات مهمانخانه‌هایی برای آسایش بازرگانی که به آن شهر می‌آیند دیده می‌شود». در کاوش‌های باستان‌شناسانه نیز بخش‌هایی از این شبکه ارتباطی کشف گردیده است. علی اصغر میرفتاح _ که چند سالی در شهر سلطانیه کاوش‌های باستان‌شناسانه داشته _ در این خصوص آورده است: «... یکی از معتبرترین خیابان‌های شهر در راستای دروازه (دروازه ارگ) قرار داشته است. در پیشگاه دروازه به احتمال زیاد در کنار خیابان مذکور خواجه تاج‌الدین علی‌شاه عمارتی مجلل به نام بهشت بنا نمود. ... خیابان‌های جلوی ارگ اختصاص به نزدیکان دربار داشت» در گزارش کاوش‌های سال ۱۳۸۸ هجری شمسی، مهاجرنژاد نیز به کشف خیابان‌های سنگ فرش منتهی به مسجد جمعه اشاره کرده است (رضوان و کریمیان، ۱۳۹۳: ۴۷). میرفتاح، همچنین معتقد است که شبکه‌ای از خیابان

ها از مرکز شهر به میدین و مناطق شهری و محله‌های پیرامون امتداد می‌یافت و «.. فضاهای خالی موجود بین اتلال (تپه‌های باستانی پیرامون) شهر به احتمال فراوان باغات و میدین شهر را تشکیل می‌دادند» (همان: ۴۸).

۱۶- اضمحلال سلطانی

شاید بتوان دستور تاج الدین علیشاه مبنی بر ساخت بناهای مجلل در تبریز را که متعاقب مرگ الجایتو و در زمان حاکمیت ابوسعید به انجام رسید، نقطه آغاز اضمحلال سلطانی به حساب آورد. زیرا این عمل وزیر موجب اهمیت یافتن دوباره شهر تبریز گشته و انزوای تدریجی سلطانی را سبب می‌گشت. مرگ ابوسعید به سال ۵۷۳۶ ق. کاهش چشمگیر اقتدار ایلخانان را سبب گشت و رمق سلطانی را نیز گرفت تا آن که حکومت به دست جلالیریان رسید و آنها نیز تا پایان حکومت خویش به به طور موثر از این شهر بهره برداری نمودند. در نهایت به سال ۵۷۸۶ ق. امیر تیمور گورکانی ضربه نهایی را بر پیکر این شهر وارد کرد و آن را مورد قتل و غارت قرار داد. در نتیجه، آنچه در سلطانیه برپا بود با خاک یکسان شد و شهر از سکنه خالی ماند و از آن به بعد ترمیم نشد و خرابی‌ها همچنان باقی ماند. پیتر دلاواله در سفرنامه خود زمان ترک سلطانیه را به آغاز فرمانروایی ابوسعید (شب مرگ الجایتو) رسانده و در خصوص دلیل اضمحلال سلطانیه می‌نویسد:

«...مردم را برخلاف میلشان از نقاط دیگر در آنجا جمع می‌کنند و هزاران بهانه می‌آورند تا وادارشان کنند در آنجا خانه‌سازی کنند. اما از آنجا که معمولاً زور هیچ گاه مدت زیادی دوام ندارد، می‌گویند: در همان شبی که خداینده مرد همه مردم شهر را ترک کردند و به طوری که شایع است در همان شب فوت او فقط شمار زن‌هایی که از شهر بیرون رفتند به چهارده هزار نفر رسید. یعنی کاروانی مرکب از هفت هزار شتر حامل کجاوه یا تخت روان مخصوص خانم‌ها شهر را ترک کرد چون هر کجاوه حامل دو نفر است» (رضوان و کریمیان، ۱۳۹۳: ۵۰).

بدین ترتیب، به احتمال قریب به یقین، پس از حمله تیمور این مهاجرت چند برابر شده است. اگر چه دست نشانده تیمور بر سلطانیه (میرانشاه) که تحت تاثیر جلال و عظمت و شکوه بناهای آن قرار گرفته بود بر عمارت دوباره آنها همت نمود، چون تلاش‌های خود را در برابر عظمت سلطانیه بی ثمر و اقدامات عمرانی را زمان بر و پر هزینه دانست، «... لذا دستور خرابی آثار و ابنیه باقی مانده را صادر کرد. برخی معتقدند میرانشاه به سبب عارضه دیوانگی دستور ویرانی سلطانیه را صادر کرد».

اگر چه انتخاب سلطانیه به عنوان قرارگاه سواره نظام در جنگ شاه عباس و عثمانی، و استقرار پانزده هزار سواره نظام در آنجا روند تخریب این شهر را تسهیل بخشید، به نظر می‌رسد آخرین ضربات در عصر قاجار بر پیکر این شهر وارد آمده باشد، زیرا فتح‌علیشاه در جنگ با روس آن را محل تجمع قوای ایران و تربیت سپاه قرار داد و طول اقامتش به اندازه ای بود که دستور ساخت عمارتی از مصالح سلطانیه بر روی تپه‌های سلطانیه را صادر نمود. هرچند رویدادهای مذکور، برای تخریب و اضمحلال شهر کفایت داشت، نابسامانی‌های اداره پایتخت سبب رها شدن آب رودخانه در بستر دشت و افزایش آب‌های زیر زمینی گردید که هر گونه فعالیت عمرانی و کشاورزی را با مشکل مواجه می‌ساخت. شاید بی نظمی‌های مدنی را - که عموماً به واسطه کم‌رنگ شدن قدرت حاکمیت مرکزی به ظهور می‌رسد - نیز بتوان سبب مهاجرت زود هنگام و عامل تسریع در روند اضمحلال شهر دانست (رضوان و کریمیان، ۱۳۹۳: ۵۰).

نتیجه‌گیری

با وجود آن که ایلخانان مراغه و سپس تبریز را به پایتختی برگزیدند، اندیشه ایجاد شهری که نمادی از امپراتوری این بدویان باشد آن‌ها را به ساخت سلطانیه ترغیب نمود. شهر سلطانیه از این جهت بسیار حائز اهمیت است که تنها شهری است که پس از اسلام در منطقه‌ای که هیچ گونه سابقه شهری ندارد احداث می‌شود. به جرات می‌توان سلطانیه را از منحصربه‌فردترین شهرهای جدیدالتاسیس دوران اسلامی دانست. طرح غازان‌خان در ایجاد چنین پایتختی در روزگار سلطان محمد خدابنده اجرا شد. شهرستان سلطانیه که امروزه بقایای پایتخت ایلخانان را در خود جای داده، در ۳۷ کیلومتری شرق شهر زنجان، در دشتی واقع است. شهر سلطانیه به دلیل مختلفی که از آن جمله می‌توان به موقعیت قرارگیری آن، شرایط طبیعی منطقه و این فکر پادشاهان ایلخانی باید شهری بسازند که کاملاً ساخته‌ی خودشان باشد (در این میان وزیران ایرانی بی تاثیر نبودند) اشاره کرد. اما از آن جهت که بسیاری از ساکنان شهر به اجبار به آنجا کوچانیده شده بودند این شهر دوام چندانی پیدا نمی‌کند پس از یک دوره پر رونق سی ساله، مرگ سلطان محمد خدابنده و سقوط ایلخانان موجب اضمحلال شهر می‌گردد. بنابر شواهد از لحاظ فرم و ساختار کلی نیز همانند سایر شهرهای اسلامی از دو بخش کهن دژ یا ارگ و شارستان به صورت مربع و بر اساس نقشه از پیش تعیین شده، ساخته شده است. در ساختن این شهر امرا و وزرای اولجایتو نیز هر یک سهم درخوری داشتند؛ ساخت و سازهای درباریان و اعیان نیز به محوریت ارگ سلطنتی انجام گرفته است. محدوده ارگ در وسط شهر و دارای حصار و خندق بوده است. از دیگر بخش‌های شهر می‌توان به مساجد، مدارس، خانقاه، بیمارستان و ... اشاره کرد.

- اکبری گلناز، (۱۳۸۹). «گنبد سلطانی»، رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۴۶، ۴۸-۴۹.
- اصفهانیان داود و خزائلی علی رضا، (۱۳۸۲). «عمران شهری در ایران عصر مغول، جغرافیا و برنامه‌ریزی»، شماره ۹، ۱۲-۳۴.
- اشرف احمد، (۱۳۵۳). «ویژگی های تاریخی شهر نشینی در ایران دوره اسلامی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۷، ۴-۴۹.
- بلر شیلا و بلوم جانانان، (۱۳۹۰). «هنر و معماری اسلامی»، ترجمه بعقوب آژند، تهران، سازمان مطالعه کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- القاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد، (۱۳۶۵). «تاریخ الجاتیو»، به اهتمام همبلی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بلر شیلا، (۱۳۹۰). «باستان شناسی ایران در دوره اسلامی (۴۳ مقاله در بزرگداشت استاد دکتر محمد یوسف کیانی)»، به کوشش دکتر محمد ابراهیم زارعی، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا، همدان.
- ترکمنی آذر، پروین، ۱۳۸۶، مراکز علمی در دوره ایلخانان، تاریخ اسلام، شماره ۲۹، صص ۷-۳۲.
- حاتم غلامعلی، (۱۳۷۶). «گنبد سلطانی»، هنر، شماره ۲۰۰، ۳۲-۲۰۷.
- حافظ ابرو، (۱۳۵۷). «ذیل جامع التواریخ»، به اهتمام خانابا بیانی، تهران: انجمن آثار ملی.
- خان مرادی مژگان، (۱۳۹۰). «نقش و جایگاه الجایتو در فعالیت های شهرسازی دوره ایلخانی»، سال شانزدهم، شماره سی و سوم، ۱۹-۳۵.
- رضوی سید ابوالفضل، (۱۳۸۷). «ساختار حیات شهری در عصر ایلخانان، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۴، ۱۲۳-۱۷.
- رضوان همایون و کریمیان حسن، (۱۳۹۳). «طلوع و غروب یک پایتخت: شکل‌یابی، توسعه، اقتدار و اضمحلال شهر سلطانی»، مطالعات باستان شناسی، دوره ششم، شماره ۱، ۳۹-۵۴.
- رحمن پور نسترن و بیات آتوسا، (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی بناهای آرامگاهی ملاحسن کاشی چلیبی اوغلو»، سومین کنفرانس علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافی و برنامه ریزی و شهرسازی.
- سعیدیان عبدالحسین، (۱۳۷۹). «شهرهای ایران»، انتشارات علم و زندگی، تهران.
- صفاکیش حمید و طاهرخانی رضا، (۱۳۹۵). «گنبد سلطانی»، تاریخ نگار، شماره ۳، ۲۳-۳۴.
- طالب نیا پویا و نجفی ارض اله، (۱۳۹۴). «عوامل شکل گیری و عناصر شهرهای دوره ایلخانی»، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران.
- عباسی جواد، (۱۳۷۴). «مدارس عصر ایلخانی، پیوند دانش و وقف (بخش اول)»، وقف میراث جاویدان، شماره ۷۴، ۱۰-۸۶.
- کریمیان، حسن و مهدی زاده، بهزاد، (۱۳۹۳). «نقش وقف در توسعه کالبدی شهرهای ایلخانی؛ نمونه موردی: تبریز، سلطانیه اوجان»، وقف میراث جاویدان، سال بیست و دوم، شماره ۲۳، ۸۶-۵۰.
- کیانی یوسف، (۱۳۷۰). «شهرهای ایران»، سحاب، تهران.
- کیانی یوسف، (۱۳۷۴). «پایتخت های ایران»، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- کی نژاد، محمدعلی و بلالی اسکویی، آریتا. ۱۳۹۰. بازآفرینی ربع رشیدی بر اساس متون تاریخی. تهران: نشر متن.
- نقره کار، عبدالحمید و کی نژاد، محمد علی و بلالی اسکویی، آریتا، (۱۳۹۱). «سازمان فضایی شهرهای ابواب البر در دوره ایلخانی»، فصلنامه معماری ایران، شماره ۲، ۴۷-۶۳.
- ولایتی رحیم و دیگران، (۱۳۹۶). «معماری ایلخانی در بستره دو شهر تاریخی اسلامی اوجان و سلطانیه»، باغ نظر، سال چهاردهم، شماره ۱۷، ۵۵-۲۸.
- لسترنج، گی. (۱۳۷۷). «جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی»، عرفان، محمود. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- محبعلی آزاده، (۱۳۸۷). «تزیینات پیش ساخته در گنبد سلطانیه در قرن هشتم هجری قمریم»، آرمانشهر، شماره ۷۶، ۱-۸۵.
- مهریار محمد و دیگران، (۱۳۶). «بررسی و پیگردی مقدماتی؛ برج و باروی ارک شهر قدیم سلطانیه زمستان ۱۳۶۴»، اثر، شماره ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، ۲۰۹-۲۶۴.
- نصرالهی، احمد و دیگران، (۱۳۹۴). «نقش راه در شکل‌گیری و از بین رفتن شهرها نمونه موردی شهر سلطانیه»، اولین کنفرانس تخصصی معماری و شهرسازی.

Soltanieh urbanization in the Ilkhanid period

Mobina Mozafari¹, Maryam Mohamadi²

1- master student in archeology(bu-Ali sina university)

2- Assistant professor (bu-Ali sina university)

Abstract

After the Ilkhanids invaded Iran, they began to build large cities. These cities were inspired by the cities of the preceding period and based on their structure. One example is Soltanieh. The first and foremost city that Oljaytu built was Soltanieh. According to historical documents before the Mongol invasion, it was a monastery where the Mongols went after the Tabriz capital for hunting during the summer. This study aims to study Soltanieh city in terms of structure and reason for the emergence and decline of the city. The plan that Ghazan Khan sought to implement was completed by Sultan Muhammad Khodabandeh (Al Jaito). The glory of the city was destroyed by the Timur invasion and became a ruin. The purpose of this study is to get acquainted with Ilkhanid city and urban planning as well as Soltanieh as one of the important capitals of this period. This research has been done using library documents and historically-analytically. The results of the study indicated that the city, like other Islamic cities, had different components.

Keywords: city, urban planning, Soltanieh, Ilkhan





سال چهارم، شماره ۸ (پیاپی: ۳۲)، بهمن ۱۳۹۸

پژوهش‌های علمی و فلسفی

دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی